

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیستم
شماره ۲۳۶ آبان ماه ۱۳۹۸ اکتبر ۲۰۱۹

مبارزه برای حفظ محیط زیست و وظیفه کمونیست‌ها

اخیرا با صحنه‌سازیهائی که در مورد حفظ محیط زیست به عمل آمده، میلیون‌ها جوان و دانش‌آموز به خیابان‌ها سرازیر شده و خواهان اقدامات اساسی از دولتهایشان در این زمینه‌اند تا از آلودگی کره زمین جلوگیری شود. صرفنظر از نقش پرسش‌برانگیزی که به خانم گرتا تونبرگ سوندی با نیت حساب شده می‌دهند که یکشنبه ره صد ساله پیموده و به عنوان عامل فشار اروپائی بر ضد سیاست ضد محیط زیستی ترامپ بدل گردیده است، روشن است که باید بر اساس واقعیات موجود به اتخاذ موضع در این زمینه پرداخت. جنبش سبز از نظر طبقاتی ریشه در طبقه متوسط و یا قشر بالای خرده بورژوازی مرفه دارد و به همین جهت نیز در همه کشورها تنها توانسته است همین طبقات را بسیج کند. در شعارهای آنها خواست حمایت از کارگران که در اثر تغییرات اساسی در تولید، کار خود را از دست می‌دهند و میلیون‌ها نفر خانواده آنها صدمه می‌بینند، دیده نمی‌شود. این جنبش می‌خواهد حل مسئله آلودگی محیط زیست را بدون توجه به ابعاد اجتماعی آن بطور مجرد حل کند. در این زمینه کنسرنهای بزرگی که در سالهای اخیر در عرصه "تولیدات سبز" پای به عرصه وجود گذارده‌اند و آینده را از آن خود می‌بینند، به شدت فعال بوده و از این جنبشها حمایت مادی و معنوی و تبلیغاتی می‌کنند. این جنبشها با ... ادامه در صفحه ۲

کمونیست‌ها میهن‌پرستانند و عمال امپریالیسم با نقاب "انترناسیونالیسم" مزدوران جنگ روانی امپریالیست‌ها

حزب کار ایران (توفان) بارها از میهنپرستی کمونیست‌ها دفاع کرده و سعی وافر نموده معنای آنرا برای مردم ایران توضیح دهد. توضیحات حزب ما تنها برای درک مردم ایران از مواضع حزب ما نیست، بلکه ما در عین حال کوشیده‌ایم از نظر تئوریک برای جوانان علاقمند به مارکسیسم لنینیسم این مقوله مهم کمونیستی را توضیح دهیم. ولی در مقابل این صف کمونیست‌ها، جبهه کاذبی با نظر مساعد بیگانگان در میان اپوزیسیون چینمای ایرانی پیدا شده که کمونیست‌ها را فاقد وطن قلمداد کرده و آنها را برحذر می‌دارد در مقابل تجاوز بیگانه به کشورشان به دفاع از میهنشان بپردازند. این عده که با بیان محتاطانه حداقل گمراه‌اند، آثار کمونیستی را جعل می‌کنند و عملا محیطی از خیانت و تسلیم طلبی در مقابل امپریالیسم در سراسر جهان ایجاد می‌نمایند. این سیاست ضدمیهنی بخش تکمیلی سیاست توسعه‌طلبی و جهانی شدن سرمایه امپریالیستی است که به شکستن مرزهای جغرافیائی و گمرکی تحت نام سیاست نئولیبرالی اقتصادی نوین پرداخته و انترناسیونالیسم سرمایه‌داری امپریالیستی خویش را با سیاست ضدمیهنی عوام‌لش در کشورهای معین تکمیل می‌کند. در کشوری که مشتی چپ‌ها به میدان آیند و مردم را تشویق کنند که در مقابل حضور و تهاجم سرمایه‌های امپریالیستی مقاومت نکنند زیرا وطنپرستی جرم است، طبیعتا این عده به عنوان ستون پنجم سرمایه امپریالیستی از حضور بی‌مانع آنها در کشور حمایت می‌کنند. این عده برای اینکه شما را تسکین دهند و به خواب غفلت فروبرند برای شما لالائی می‌خوانند که مبارزه ما با این سرمایه‌داران مبارزه کارگران با سرمایه‌داران است و ربطی به دفاع از میهن ندارد. آنها مبارزه کار و سرمایه را در حمایت از امپریالیسم و هجوم سرمایه‌های بیگانه در مقابل پرچم میهنپرستی و مبارزه مردم برای تحقق خواسته‌های ملی خود قرار می‌دهند. برای آنها که مارکسیسم را نفهمیده‌اند و یا مطالعه نکرده‌اند این عده به بیانیه حزب کمونیست اشاره می‌کنند که در آنجا آمده است "کارگران وطن ندارند" ... ادامه در صفحه ۲

حمله پهلپادهای انتحاری جنبش استقلال‌طلبانه یمن به صنعت نفت عربستان سعودی و نتایج راهبردی آن در منطقه

روز شنبه ۱۴ ماه سپتامبر ۲۰۱۹ خبری در صدر گزارش‌ها و تحلیل‌های رسانه‌های منطقه و خارجی قرار گرفت؛ انقلابیون یمن در جدیدترین حمله خود با ۱۰ پهلپاد انتحاری، «تأسیسات نفتی دولتی آرامکو» در مناطق بقیق و خُریص در شرق عربستان سعودی را هدف قرار دادند و قلب صنعت نفت این کشور را بمباران کردند. این حملات انقلابیون یمنی در همکاری کامل با نیروهای انقلابی درون عربستان سعودی صورت گرفت. «حزام الاسد» عضو دفتر سیاسی این جنبش اظهار داشت: «همکاری شرافتمندانه آزادگان داخل سعودی، نقش مهمی در موفقیت این عملیات هوایی در عربستان داشت». وی خاطرنشان کرد که: «بانک اهداف یمنی در داخل عربستان روزیبه‌روز گسترش می‌یابد». وی در پایان تأکید کرد: «این حملات در روزهای آتی ادامه پیدا خواهد کرد». «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن نیز با صدور بیانیه‌ای در این باره اعلام کرد: «این عملیات یکی از بزرگترین عملیات‌هایی است که نیروهای ما در عمق سعودی انجام داده و پس از رصد اطلاعاتی دقیق و همکاری افراد شریف و آزاده در داخل عربستان سعودی صورت گرفته است». پهلپادهای انقلابیون یمن که مسئولیت آنرا نیز خود به عهده گرفتند، شاهرگهای اقتصادی عربستان سعودی تجاوزگر را در هم درید. این خبر مانند بمب در غرب منتشر شد. تو گویی این پهلپادهای انتحاری در لندن، پاریس، برلن و یا واشنگتن فرود آمده‌اند. علیرغم اینکه انقلابیون یمن مسئولیت این اقدام را به منزله بخشی از مبارزه آنها بر ضد جنایات عربستان سعودی به عهده گرفته‌اند و اعلام کرده‌اند که به این مبارزه ادامه داده و هدفهای مهم دیگری را نابود خواهند کرد، ولی آمریکا با همان منطق زورگویی و دروغگویی معتقد است که ایران مسئول چنین حمله‌ای بوده است. وزیر خارجه دروغگوی وزارت امور مداخله جهانی آمریکا مدعی شده است که آمریکا دلایلی پیدا نکرده است که این پهلپادها از یمن آمده‌اند و لذا بر اساس منطق واژگونه آنها باید از ایران آمده باشند. عین ادعای وی چنین است: «ایران در بحبوحه تمام درخواست‌هایش برای کاهش تنش، اکنون حمله بی‌سابقه‌ای را علیه این تأمین‌کننده انرژی جهان [عربستان سعودی] انجام داده است. هیچ مدرکی از اینکه حملات از یمن انجام شده باشند، وجود ندارد» علیرغم این که انقلابیون یمن رسماً مسئولیت این ... ادامه در صفحه ۳

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

مبارزه برای حفظ محیط...

رهبری بورژوازی امپریالیستی می‌تواند به حرکت‌های برضد ممالکی بدل شوند که در پی توسعه صنعتی خویش هستند و می‌خواهند عقب ماندگی تاریخی صنعتی خویش را با به‌دور انداختن یوغ استعمار جبران نمایند. کشورهای امپریالیستی غرب که در عرض ۲۵۰ سال

اخیر با تخریب محیط زیست - متعلق به همه بشریت و سایر مردم کشورهای جهان- به دستاوردهای بزرگی نایل آمده‌اند، حال تلاش دارند از رشد سایر کشورها به بهانه خسارت زدن آنها به محیط زیست جلوگیری کنند. به-یکباره آلمان و فرانسه قرن‌ها صنعتی، مظاهر مبارزه با آلودگی هوا درآمده‌اند و چین، روسیه، برزیل و هند که تازه در همین چهل سال اخیر به توسعه سریع صنایع خویش مشغولند از عوامل تخریب محیط زیست قلمداد می‌شوند. می‌بینیم که جنبش سبز و به‌ویژه جنبش اخیر محیط‌زیستی جوانان، ابزاری شده است تا از آن برضد مخالفان و به نفع صنایع داخلی خود بشود استفاده کرد.

صرف‌نظر از نیت شوم و مخربی که امپریالیستها دارند و هرگز برای حفظ محیط زیست به صورت اساسی تلاش نخواهند کرد، نباید فراموش کرد که جوانان و بسیاری مردم جان به لب رسیده از روی اعتقاد، علاقه برای حفظ محیط زیست باورمندانه مبارزه می‌کنند. این وضعیت باعث شده که مهار این جنبش از دست طبقات حاکمه به‌دور رود و نتوانند آنرا آنگونه که تمایل دارند به جهاتی سوق دهند که صرفاً عوام‌فریبانه بوده و منافع سیاسی آنها را همواره تعیین کند. حتی این وضعیت جدید بر روی خانم گرتا تونبرگ نیز تاثیر گذارده به‌طوری‌که در سخنرانی تدارک دیده شده برای ایشان در سازمان ملل متحد، بی‌اختیار رشد و توسعه نامحدود سرمایه‌داری را مورد انتقاد قرار می‌دهد غافل از آن که این رشد روزافزون عامل بقاء سرمایه‌داری و سازوکار موجودیت آن است. سرمایه‌داری با هدف کسب سود حداکثر تولید می‌کند و برای کسب این سود باید مستمراً تولید کند و به سرعت گردش سرمایه و بهره-کشی از طبقه کارگر بیفزاید تا از بین نرود. این روش سرمایه‌داری وابسته به خلق و خوی افراد نیست، قانون بقاء سرمایه‌داری است. آنها بیش از حد تولید می‌کنند و به‌دور می‌ریزند و نه تنها ذخایر طبیعی بشریت را نابود می‌کند، بلکه محیط زیست را نیز آلوده و غیرقابل زیست می‌گردانند. این است که پس از این سخنرانی از تبلیغات "مثبت" به نفع وی کاسته شد و این خطر احساس گردید که شعار این جنبش‌ها به‌تدریج به سمت درستی سیر می‌کند تا نظام سرمایه داری را مسئول مستقیم آلودگی محیط زیست بداند. به این نگرانی، اظهار نظر جدید خانم تونبرگ نیز افزوده شده که "بیمبهای اتمی آمریکا را کشنده محیط زیست" بیان داشته است به‌طوری‌که

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS

شرکت تبلیغاتی مسئول افکار عمومی که برنامه‌ریز فعالیت خانم گرتا تونبرگ است. اعتراف نموده فرمان از دستش دررفته است. باید در جنبش‌های حفظ محیط زیست شرکت کرد و خواست مبارزه بر ضد توسعه و رشد نامحدود را در آن جا انداخت و رهبری آنرا در دست گرفت. در این مبارزه طبقاتی است که طبیعتاً منافع زحمتکشان و تامین آینده زندگی آنها در شرایط مبارزه با آلودگی و حفظ محیط زیست، در نظر گرفته خواهد شد. در این مبارزه است که جوانان به پاره‌ای از اهداف خود می‌رسند و آموزش می‌بینند که حفظ قطعی محیط زیست تنها بر گورستان نظام سرمایه‌داری در دولتی جهانی با برنامه‌ای جهانی ممکن است.

کمونیست‌ها میهن پرستند...

ولی سخنان آموزگاران مارکسیسم با درک وطن‌فرشانه این افراد از زمین تا آسمان فرق داشته و ناظر به این امر مهم است که همه کارگران جهان برادرند و در یک همبستگی جهانی و اتحاد مشترک باید کمر بورژوازی جهانی را ولی هر کدام در کشور خود بشکنند. در این سخنان مارکس و انگلس تکیه بر روحیه انترناسیونالیستی کارگران جهان است تا مانع شوند که کارگران را با تجزیه به واحدهای ملی به نام وطنپرستی در خدمت بورژوازی ستمگر به جان هم انداخت و به این ترتیب سلطه بورژوازی را پایدار نگاه‌داشت. مارکس برای اینکه این ناهم‌ها بفهمند، از مبارزات ملی مردم ایرلند بر ضد سلطه استعمارگران بریتانیایی حمایت می‌کرد علیرغم اینکه می‌دانست مبارزه ملی مردم ایرلند برضد بریتانیا، طبقه کارگر و بورژوازی ایرلند را بر ضد بورژوازی مسلط و ستمگر استعماری بریتانیا در مجموع در بر گرفته و آنها را در یک صف قرار می‌دهد. مارکس درک می‌کرد مبارزه کارگران ایرلندی بر ضد سلطه بورژوازی بریتانیا منجر به تضعیف بورژوازی بریتانیا شده و نه تنها در خدمت مبارزه کارگران بریتانیا بلکه به نفع خود کارگران ایرلند نیز هست. آزادی طبقه کارگر ایرلند از مبارزه با استعمار و تسلط بریتانیا می‌گذرد. همبستگی برادرانه کارگران ایرلندی و بریتانیایی در آن بود که وطنپرستی کارگران ایرلندی با حمایت از وطنپرستی کارگران ایرلندی توسط کارگران بریتانیایی و بر ضد "وطنپرستی" بورژوازی بریتانیا تکمیل می‌شد.

کسی که این رابطه دیالکتیکی را نفهمد از مارکسیسم هیچ چیز نفهمیده است. لنین به ویژه در دروان پیدایش امپریالیسم که منجر به آن شده بود که اقلیتی از ملت‌های جهان اکثریت ملت‌های جهان را غارت کنند و ستم ملی جهانگیر شده بود، به این مسئله ملی برخوردی مارکسیستی دارد. لنین در زمان جنگ نخست جهانی به انتقاد از سوسیال دموکرات‌های انترناسیونال دوم پرداخت که به بهانه "دفاع از میهن" بودجه‌های نظامی امپریالیستی را برای جنگ و گشتار تصویب کردند و از کارگران خواستند در جنگ امپریالیستی برای غارت جهان و به اسارت کشیدن سایر ملل بر ضد کارگران کشور همسایه شرکت کنند و همدیگر را به قتل برسانند. طبیعتاً لنین حق داشت که نفرت خود را از این نوع "میهنپرستی" امپریالیستی که با نیت غارت جهان و تقویت بورژوازی خودی انجام می‌شد اعلام کند. کمونیست‌ها همواره با ایجاد نفرت ملی و تشویق به گشتار برادران کارگر خود مخالفت کرده‌اند. لنین در اینجا بیان می‌کرد که جنگ میان امپریالیستها برای غارت جهان و به بردگی کشیدن ملل به کارگران دو کشور ربطی ندارد و آنها باید در کشورهای خود بورژوازی خویش را سرنگون کنند و جنگ امپریالیستی را به انقلاب اجتماعی بدل نمایند و سوسیالیسم را مستقر سازند. ولی لنین که مارکسیست بود و این علم را خوانده و فهمیده بود، توضیح می‌داد که خلق‌های جهان و از جمله طبقه کارگر این خلق‌ها در کشورهای مشخص باید برای منافع ملی کشور خودشان مبارزه کرده و مانع شوند که امپریالیستها کشورشان را غارت کنند. در دوران لنین بود که شعار پرولتاریای جهان متحد شوید به شعار پرولتاریای جهان و خلق‌های ستمکش متحد شوید تکامل یافت و مفهوم آن این بود که در دوران امپریالیسم همبستگی بین‌المللی به مفهوم اتحاد کارگران ملت‌های ستمگر و ستمکش با یکدیگر است. کارگران ممالکی که مورد ستم امپریالیسم هستند حق دارند برای دفاع از میهنشان در مقابل امپریالیسم بپاخیزند و انتظار داشته باشند که پرولتاریای ممالک ستمگر از مبارزات ملی ملل ستمکش بر ضد "میهنپرستی" (بخوانید ملی‌گرایی و ناسیونالیسم-توفان) ملت ستمگر حمایت کنند. تمام تاریخ بعد از جنگ اول جهانی و به‌ویژه جنگ دوم جهانی مملو از مبارزه خلق‌های تحت ستم و بخشا به رهبری کمونیست‌های میهنپرست بر ضد استعمار و امپریالیسم است. مبارزه خلق‌های چین، کره، ویتنام و یا اندونزی، الجزایر، سودان ... بهترین نمونه‌های آن هستند. فقط نابینایان سیاسی و متقلبان می‌توانند این حقایق را انکار کنند. در بسیاری از این کشورها کمونیست‌ها توانستند با کسب رهبری جنبش آزادیبخش ملی، از میهنشان در مقابل امپریالیسم دفاع کنند و نشان دهند که آنها در دوران صعود امپریالیسم؛ رسالت مبارزه ملی را به عهده گرفته‌اند. اساساً پدیده امپریالیسم ضد خود یعنی جنبش‌های آزادیبخش ملی را به وجود می‌آورد و این... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، بدست مردم ایران

کمونیست‌ها میهن‌پرستند...

دوران با دروان جنگ میان ممالک بورژوازی غیرامپریالیستی با یکدیگر تفاوت اساسی دارد. در دوران امپریالیسم، تضاد مهمی به سایر تضادهای جهان افزوده گردیده که بیانگر مبارزه ملتها برضد امپریالیسم برای آزادی ملی و استقلال است. چپ روها و یا مزدوران که این اصول مارکسیستی را نفهمیده‌اند و یا خود را به نادانی می‌زنند، تاریخ را ایستا دیده و گذار دوران‌ها را درک نکرده‌اند. هستند تروتسکیست‌هایی که به پدیده امپریالیسم اعتقادی ندارند برای آنها همه چیز تضاد کار و سرمایه است و به همین دلیل نیز همیشه درکنار سرمایه امپریالیستی قرار دارند، ولی جای شگفتی از کسانی است که از امپریالیسم سخن می‌گویند، واقعیت این پدیده را پذیرفته‌اند ولی نتایج مترتب بر آن را به پشت گوش می‌اندازند. آنها قادر نیستند به‌فهمند که انقلاب بهمن ۱۳۵۷ دست امپریالیست‌ها را از ایران کوتاه کرد و این انقلاب به هدف ملی خود دست یافت و توانست استقلال ایران را تأمین نماید. برای این کوتاه‌بینان که نمی‌توانند به علت فقر علمی‌شان مسایل را درک کنند، همه رخدادهای ایران و منطقه و حتی جهان محصول زد و بند امپریالیست‌ها بوده و مردم این کشورها نقشی در آن نداشته‌اند. برای آنها نقش مردم در ساختن تاریخ حرف مفت است و تاریخ را مشت‌ی زرد و بندجی می‌سازند. ما کمونیست‌ها به میهنپرستی کمونیستی اعتقاد داریم و این بدان مفهوم است که کارگران در عین تضادی که با کارفرمایان دارند به علت اینکه از جانب سلطه امپریالیسم تهدید شده و یا سرکوب می‌شوند در مقابل این تهاجم ایستادگی کرده و از سرزمین و ماوا و مسکن خود به دفاع برمی‌خیزند.

عشق به ماوا، عشق به سرزمین ابا اجدادی، یک پدیده اجتماعی تاریخی در درون مردم است که در وابستگی به پیدایش و انکشاف سرزمین پدری به منزله محیط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی معین زندگی و مبارزه مردم، تکامل می‌یابد. لنین در این زمینه نوشته است: "میهنپرستی یکی از عمیقترین احساساتی است که در طی صدها و هزاران سال موجودیت مجزای سرزمینهای پدری گوناگون ریشه دوانده است" (کلیات لنین جلد بیست و هشت صفحه ۱۸۲ به زبان آلمانی).

میهنپرستی دارای مضمون طبقاتی است و در جامعه طبقاتی همواره دارای خصلت طبقاتی است. حاملین واقعی میهنپرستی در تمام اعصار توده‌های مردم هستند. آنها عمیقا به سرنوشت سرزمین پدری علاقمندند.

در حالیکه میهنپرستی به‌طور ارگانیک با احترام به سایر خلقها و دستاوردهایشان همبسته است، با ناسیونالیسم بورژوازی در تضاد قرار دارد. ناسیونالیسم بورژوازی که همان ملی‌گرایی باشد به‌طور ارگانیک با کمسوپلیتیزم یعنی مفهوم جهان وطنی ربط دارد که ملت خودی را از سایر ملل برتر دانسته و می‌خواهد جهان را به



وطن بورژوازی بدل کرده، مرزها را بزداید و مبارزه طبقاتی پرولتاریا را سرکوب کند. بی-وطنان و یا وطن فروشان کسانی هستند که از نظر تئوریک عقد مودت با جهان‌وطنی‌ها بسته-اند و آماده‌اند وطن خویش را در حلق این عفریت‌های کمسوپلیتن با نقاب حمایت از "انترناسیونالیسم" فرو کنند. وطن‌فروشان که کوچکترین احساسی - چه به‌مرسد به‌احساس عمیق - نسبت به‌سرزمین اجدادی و مردمی که با آنها در یک محیط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی زندگی کرده‌اند، ندارند، با شعار "مرگ بر میهنپرستی" و زنده باد "انترناسیونالیسم-کمسوپلیتیزم" که آنرا "مترقی و مدرن" جا می‌زنند در قرن بیستم، ستون پنجم سیاستهای جهان‌وطنانه امپریالیسم و سیاست جهان وطنی شدن سرمایه‌داری جهانی هستند. امپریالیست‌ها همیشه همه جهان را از آن خود و وطن خود دانسته‌اند. این خودفروختگان بی‌وطن که تضاد خلقها با امپریالیسم را نفی می‌کنند و به جز سرمایه‌داری پدیده‌ای به نام امپریالیسم را به رسمیت نمی‌شناسند، طبیعتا در مقابل غارت و چپاول امپریالیستی خلع سلاح بوده و ناچارند به اردوگاه جهان‌وطنان بخزند و در اشغال کشور دیگران سهیم باشند. آنها مقاومت در مقابل اشغال و تجاوز را "غیرمدرن" و "ارتجاعی" جا می‌زنند و برای فریب توده‌های خلق و طبقه کارگر؛ میهنپرستی و عشق به سرزمین ابا اجدادی و آینده آنرا مضموم دانسته و القاء می-کنند که گویا برای کارگران ایران فرقی نمی‌کند جزئی از ایران باشند یا بخشی از آمریکا و آنهم با این منطق واژگونه که وطن ایرانی با وطن آمریکائی برای کارگران ایرانی تفاوتی ندارد. به نظر آنها چون سرمایه‌دار آمریکائی و سرمایه-دار ایرانی هر دو استثمارگرند مهم نیست اگر آمریکا ایران را اشغال کند و آنرا بخشی از منطقه نفوذ خود اعلام نماید. برای آنها مقوله‌ای بنام استعمار، سلطه‌گری، استیلاجویی، توسعه-طلبی امپریالیستی وجود ندارد. آنها حتی تاریخ

استعمار را نفی می‌کنند تا سلطه آمریکا را توجیه کنند.

کمونیست‌ها ولی می‌دانند که انگیزه میهنپرستی با ریشه‌های عمیق اجتماعی و تاریخی که دارد، سلاح برنده و کارائی در مبارزه طبقاتی است. آنها می‌دانند که این بورژوازی است که وطن ندارد و حاضر است در مواقع سخت به کانادا و آمریکا فرار کند و یا با سرقت اموال عمومی در پاریس و لندن زندگی نماید. کارگران ایرانی که از دستاوردها و سرزمین مادری خویش دفاع خواهند کرد راهی ندارند جز اینکه در این واحد جغرافیائی بمانند و مبارزه خویش را برای حفظ محدوده زندگی خود ادامه دهند. در این مبارزه است که به‌همبستگی بین‌المللی نیاز دارند و با سایر خلقها و کارگران این ممالک برادرند. همبستگی بین‌المللی میان کارگرانی ایجاد می-شود که هرکدام جداگانه در سرزمینهای گوناگون و در سراسر کره خاکی زندگی می‌کنند. این کارگران در یک کشور واحد با همه شرایط واحد حضور ندارند و زندگی نمی‌کنند. کسانی که این واقعیتها را نفی می‌نمایند دشمنان طبقه کارگر و در ایران کنونی همدستان امپریالیسم و صهیونیسم هستند و می‌خواهند در مقابل خطر تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم به ایران طبقه کارگر و نیروهای انقلابی را از نظر ایدئولوژیک و سیاسی خلع سلاح کنند. آنها سربازان امپریالیسم در جبهه جنگ روانی هستند که جیره خود را از امپریالیست‌ها می‌گیرند. این کمونیست‌هایی که پیگیرترین وطن‌پرستان هستند و راهی ندارند جز اینکه برای نیل به حکومت پرولتری جهانی، وطن مشخص و معین خود را آزاد کنند. جنگ میهنی در عصر کنونی حضور امپریالیسم در جهان یک جنگ طبقاتی و ضدامپریالیستی برای رهائی ملی و طبقاتی است. این جنگ مدرن و مترقی است و باید از آن در مقابل وطن‌فروشان خودفروخته دفاع کرد. ****

حمله پهلادای انتحاری ...

حملات را به‌عهده گرفته‌اند که ما در بالا به آن اشاره کردیم. پمپئو وزیر دخالت خارجی آمریکا، موزیانه ایران را مسئول این حمله معرفی می‌کند با علم به اینکه مسئول همان مجری نیست.

حتی بر اساس گزارش برخی رسانه‌ها، این نه نخستین حمله بلکه سومین حمله به تأسیسات نفتی شرکت آرامکو در کمتر از ۶ ماه گذشته است. نخستین حمله اواسط ماه مه انجام شد که در آن، سه خط لوله پمپاژ نفت شرق به غرب با ۷ پهلاد هدف قرار گرفت. حمله دوم به میدان نفتی الشبیه صورت گرفت که حدود نیم میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کند. علاوه بر آن‌ها، حمله روز شبیه است که تاکنون در جایگاه سوم و مهم‌ترین حمله قرار دارد.

بعد از اتهامات واهی وزیر امور مداخله آمریکا آقای «هوا چون بینگ» سخنگوی وزارت خارجه چین روز ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، متجاوز، جاسوس، زورگو، حیل‌گر، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

حمله پهبادهای انتحاری ...

دوشنبه از اتهام‌زنی‌های بی‌سند آمریکایی‌ها به ایران انتقاد کرد و گفت: «بدون مدرک نمی‌توان هیچ کشوری را مسئول این عملیات دانست و سرزنش کسی به دلیل حمله به تأسیسات نفتی عربستان بدون در دست داشتن مدارک قطعی بی‌مسئولیتی است».

در همین حال وزارت خارجه انگلیس در بیانیه‌ای اعلام کرد: «قبل از هرگونه واکنشی در مورد این حادثه باید حقایق کامل در مورد مسئول این عملیات مشخص شود». ولی آمریکا را با حقیقت چکار.

این رخدادها ولی نتایج بسیار ژرفی در منطقه به‌بار می‌آورد که توجه به آن‌ها ضروری است. قدرت نظامی ایران و یاران ایران در لبنان، سوریه، فلسطین، عراق و یمن نشان داد که این عوامل تا چه حد از نظر راهبردی برای ممانعت از جنگ و زدن ضربات متقابل دارای اهمیت حیاتی است. شعار های ضد روسیه، چین، سوریه، فلسطین و لبنان، تبلیغات اسرائیلی هاست تا ایران را به انزوا در منطقه بکشاند و راه تجاوز به ایران را تسهیل کند. کسانی که آگاهانه و یا ناآگاهانه این تبلیغات را تکرار می کنند عملاً آب به آسیاب جنگ و تجاوز به ایران می‌ریزند. اینکه رژیم جمهوری اسلامی اقشار و طبقات مختلف - از کارگر تا معلم و فعالین سیاسی خبرنگار و... را سرکوب می‌کند و به زندان می‌اندازد، اینکه زنان ایران تحت ستم مضاعف قرار دارند، اینکه رژیم ایران سراپا فاسد بوده و راهزنان و آقازاده‌ها؛ بیگانه نسبت به مردم ایران، به غارت مشغولند و این امر در برابر فقر عمومی دردناک بوده و موجبات خشم برحق مردم را فراهم می‌آورد باید به سختی مورد انتقاد و افشاءگری و مبارزه قرار گیرد، ولی هیچکدام از این رخدادها نباید موجب خواست نابودی ایران گردد. ایران جمهوری اسلامی نیست و از این رو که پاسداری از تمامیت ارضی و بقاء ایران وظیفه هر ایرانی است و تنها در این متن است که می‌شود با این رژیم مبارزه کرد.

مقاومت نظامی ایران و یارانش در منطقه نشان داد که دشمنان ایران قدرت نظامی ایران را نادرست تخمین زده بودند و حال به این نتیجه رسیده اند که تجاوز به ایران امری نیست که یکشنبه تمام شود. ایران خود را برای تجاوز دشمن از سالها پیش آماده کرده و ضربات سختی را به آنها وارد می‌کند. این مقاومت ایران در مقابل تجاوز و ادامه حمایت از جنبشهای منطقه موجبات تقویت نیروهای ضدآمریکائی و اسرائیلی را در منطقه فراهم کرده و در این جنگ روانی ایران پیروز شده است. این امر باعث شده کسانی که تا دیروز زیر چتر حمایت و هابیسها و ترامپ رجز می‌خواندند امروز سراسیمه شوند. بی‌خود نیست که خلیفه بحرین فوراً برای پایبوسی به زیارت امام ترامپ رفته است.

خلیفه بحرین بعد از حملات یمنی‌ها به تأسیسات، تصفیه خانه‌های صنعت نفت عربستان سعودی،

فورا به آمریکا رفت زیرا این پرسش از نظر نظامی مطرح است که چگونه این پهبادهای انتحاری توانسته‌اند بدور از چشمان رادارهای آمریکائی ۱۰۰۰ کیلومتر به صورت دستجمعی پرواز کنند و دیده نشوند. به این ترتیب پایگاههای نظامی آمریکا در بحرین و قطر و همه فرودگاههای آنها در معرض خطر قرار داشته و می‌توانند آماج اقدامات تلافی‌جویانه قرار گیرند. تمام تسلیحات گرانقیمت و مدرن فنی آمریکائی فاقد ارزش کاربری در چنین جنگ "پارتیزانی" و نامتقارن است. از این گذشته آمریکا هنوز نتوانسته پاسخ مناسبی چه در خلیج فارس و چه در منطقه برای این راهکارهای ایران که شیوه نوینی در جنگهای مقاومت است پیدا کند.

در یمن فقط حوثی‌ها بر ضد تجاوز عربستان و موافقان آنها نمی‌جنگند، این خلق یمن است که بر ضد تجاوز می‌جنگد. این جنگ جنگ شیعه و سنی نیست و این دروغی است که امپریالیسم و صهیونیسم شایع می‌سازند. این جنگ جنگی آزادیبخش از طرف خلق یمن بر ضد تجاوزکاران است و در این جنبه سنی‌های یمن و یاران سابق صالح رئیس جمهور سابق نیز شرکت دارند. کشور یمن می‌خواهد نشان دهد مستعمره و شاهزاده نشین عربستان سعودی نیست تا کمیسوین مربوط به یمن در ریاض سرنوشته آنها را تعیین کند. بسیاری از متحدان ایران که برای آزادی خویش مبارزه می‌کنند سنی بوده و مورد نفرت طبقات حاکمه ممالک عربی "سنی" هستند. از جمله فلسطینی‌ها و یا اکثریت مردم کشور سوریه. مردم تونس، مراکش، مصر و بسیاری ممالک عربی و حتی ترکیه و آسیای میانه در کنار مردم ایران قرار دارند. ما در این زمینه به مردم ممالک غربی که آنها نیز در کنار مردم ایران هستند تکیه نمی‌کنیم. برای آنها سرکوب مردم ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی نقش درجه دوم را بازی می‌کند، زیرا خودشان نیز در زیر سلطه سرکوب حکومت‌های فاسد و مرتجع خود به سر می‌برند ولی می‌بینند که در منطقه تنها یک کشور است که از منافع مردم فلسطین دفاع کرده و در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم که بانیان تشنج و سرکوب در جهان و منطقه هستند مقاومت می‌کند. و این امر امید مبارزات سالهای ۶۰ میلادی را در دل آنها زنده می‌کند.

حال سیاست قلدری امپریالیسم و متحدانش در منطقه اگر نه به انتها، به بشدت تضعیف شده است. سرنگونی پهباد گرانقیمت و مملو از فن آوری نوین آمریکائی توسط قوای نظامی ایران، مقاومت در مقابل راهزنی دریائی بریتانیا و آمریکا، نابودی تصفیه‌خانه‌های نفت عربستان سعودی، عدم عقب‌نشینی در مقابل خروج آمریکا از برجام و تهدیدات بی‌شرمانه آنها ثابت می‌کند در مقابل تحریم و تهدید امپریالیسم، نباید تسلیم شد بلکه باید مقاومت کرد. کسی که انگشتش را به امپریالیسم بدهد دستش را خواهد داد. این مقاومت ایران نشان داد که مسئله تجاوز به ایران دیگر یک درگیری محدود منطقه خلیج

فارس باقی نمی‌ماند، بلکه این درگیری در تمام منطقه اگر نه در جهان احساس خواهد شد. در فردای تجاوز به ایران از اسرائیل چیزی باقی نخواهد ماند. امارات متحده عربی که زندگیش به مونی بند است و موجودیتش به لطف ایران وابسته است، حکومت بحرین و قطر در منطقه از بین می‌روند. عربستان سعودی نفسهای آخر را خواهد کشید و این سناریو برای امپریالیسم در منطقه وحشتناک است. شکست آمریکا در خلیج فارس و منطقه همراه با شکست آنها در دریای چین به تسلط آنها در اقیانوس آرام و هند به یک تازی آنها در باب المندب و دریای سرخ خاتمه می‌دهد. عواقب جنگ یمن را باید از این زاویه نیز بررسی کرد.

یکی دیگر از تبلیغات رسانه‌های کشورهای جاه طلب، طلبکار و نژادپرست آمریکا و اروپا و متحدان غربی آنها این است که می‌خواهند به ایران پاسخ "مناسب" بدهند و برای این منظور باید کارشناسان جهان تحقیق کنند که پهبادهای یمنی چگونه موفق به این پیروزی شده و از کدام سمت آمده و در کجا ساخته شده‌اند. آنها تبلیغ می‌کنند که تنها ایران توانائی ساختن این نوع پهباد را داشته و این کارشناسان ایرانی هستند که این پهبادها را برای انجام مأموریتشان هدایت کرده‌اند و از این توضیحات نتیجه می‌گیرند که مقصر اصلی در اینجا ایران است و باید مجازات شود. بی‌شرمی امپریالیستها در این است که چنین جلوه می‌دهند که گویا دریافت پهباد ایرانی توسط انقلابیون یمن و یا حتی خرید آنها از ایران توسط آنها گناه غیر قابل بخشش است ولی اگر عربستان سعودی بر ضد ایران و یمن از بریتانیا، فرانسه، آلمان و آمریکا اسلحه بخرد و کارشناسان آنها را برای اداره این همه تسلیحات نظامی استخدام نماید و به آنها پایگاههای نظامی بدهد که ده ها هزار آمریکائی را در عربستان، امارت، بحرین، قطر و جنوب عراق نگاه دارند، آنوقت این یک امری طبیعی و حق این گردن کلفت‌هاست. کارشناسان سازمان ملل باید جمع شوند تا در بررسی خود مسیر حرکت پهبادهای انتحاری را معین کنند ولی حق ندارند مسیر بمباران هواپیماهای جنگی عربستان را که از غرب گرفته‌اند تعیین نمایند. بمباران یمن و کشتار مردم این کشور را طبیعی و حق عربستان سعودی می‌دانند، ولی مقاومت مردم یمن و اقدامات تلافی‌جویانه آنها خارج از هنجار جهانی بوده و باید مجازات شود. این منطق ارتجاعی حق مقاومت در مقابل تجاوز را از ملتها و دولتها سلب می‌کند. رئیس پنتاگون اعلام کرد تیمی از نهادهای مختلف آمریکا در همکاری با کشورهای متحد در حال بررسی چگونگی «رویارویی با این حمله بی‌سابقه و دفاع از نظم مبتنی بر قوانین بین‌الملل که ایران در حال ضربه زدن به آن است» هستند. نخست اینکه عربستان سعودی در جنگی جنایتکارانه و تجاوزگرانه برضد کشور یمن قرار دارد و ده‌ها هزار نفر مردم این کشور را به قتل رسانده و صنایع زیربنائی و شرایط هستی مردم این کشور را نابود کرده ... ادامه در صفحه ۵

حمله پهلادهای انتحاری ...

است. انقلابیون یمن حق دارند پاسخی کوبنده به این متجاوزان بدهند و این عین احترام به نظم جهانی و تنبیه متجاوز است. سخنگوی پنتاگون برای کتمان جنایات عربستان سعودی تجاوزگر، پای ایران را به میان می‌کشد حال آنکه ایران نیز حق دارد به هر کس مناسب تشخیص داد تسلیحات ایرانی بفروشد و یا وی را در تامین استقلال کشورش یاری رساند. این امر عین احترام به منشور سازمان ملل متحد در دفاع از حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهاست. از جمله دولی باید تنبیه شوند که قراردادهای موازین جهانی را به زیر پا می‌گذارند. این دول همان مثلث آمریکا-اسرائیل و عربستان سعودی هستند. دول امپریالیستی بمباران صنایع نفتی عربستان را محکوم کردند و به این ترتیب حق دفاع از خود مردم یمن را محکوم نمودند. به نظر آنها حق با تجاوزگر است و مورد تجاوز، نباید از میهنش دفاع کرده و به تجاوزگر پاسخ مناسب بدهد. با هیچ هوچیگری نمی‌شود واقعیات جهان را دگرگون جلوه داد. این امر مقاومت ایجاد می‌کند و ما نتایج آنرا در جهان می‌بینیم.

اضافه کنیم که نابودی تصفیه و تلمبه‌های نفتی عربستان سعودی به دست انقلابیون یمنی به افزایش بهای نفت در جهان منجر شده است. این افزایش بهای نفت بر گرانی اجناس ممالک صنعتی به‌ویژه غرب تأثیر گذارده و به رکود اقتصادی آنها می‌انجامد. به‌این جهت در بازارهای بورس زنگهای خطر به صدا در آمده‌اند. آمریکا برای کنترل بازارها حاضر شده به منابع ذخیره نفتی خود که تنها کفاف بیست روز را می‌دهد متوسل شود و اروپا گویا برای سه ماه ذخیره نفتی دارد که حاضر است در صورت ادامه بحران از این ذخایر برای تثبیت بازار بورس استفاده نماید. ولی این حسابگرهای بی-دورنما و دل‌راضی‌کن تنها زمانی با موفقیت روبروست که ایران مقاومت نکرده و هر چه زودتر تسلیم شود. زیرا اگر ایران مقاومت کند که چنین به‌نظر می‌رسد، آنوقت مسئله بحران و جنگ در خلیج فارس امری نیست که در عرض یک هفته تمام شود، بلکه ماهها و شاید سالها طول بکشد و لذا تمام ذخایر نفتی غرب و دلداری‌هایش به مفت نمی‌ارزند. آنها در ارزیابی خویش در زمینه توانائی و ظرفیت نظامی ایران به شدت دچار اشتباه بوده‌اند و حال با وضعیتی روبرو شده‌اند که خطر جنگ را می‌تواند جهانی کند. این وضعیت شکست مفتضحانه سیاست آمریکا را که از برجام خارج شد و تلاش کرد به ایران سیاستهای ننانیاهو خواسته را تحمیل کند، نشان می‌دهد. خروج قلدن‌منشانه از برجام و نقض روشن تعهدات بین‌المللی که "راستی-آزمائی" آمریکای حیل‌مگر و دروغگو را عیان کرده، موجبات بی‌اعتباری جهانی آنها را فراهم آورده است. حال این سیاست نتایجی به بار آورده که در عرصه جهانی به انزوای آمریکا و متحدانش منجر شده است.

ضربه به عربستان سعودی مظهر سیاه ارتجاع جهانی و یاور داعش و جهادیه‌های وحشی موجب مسرت همه نیروهای دموکرات، انقلابی و کمونیستهای واقعی است. این روز روز عزای ایرانیان خودفروخته است که یکی از حامیان خروپل خود را از دست می‌دهند.

تهاجم لشکر جاعلان...

سالهای اخیر مطبوعات غرب در رخدادهایی نظیر: تجاوز به عراق را به بهانه دروغین داشتن سلاح‌های کشتار جمعی، توجیه کردند، کودتای فاشیستها را در اوکراین، انقلاب میدان جلوه دادند و تا توانستند اکاذیب پخش کردند. در سوریه مجریان استعمال گازهای سمی را که عمال خودشان بودند در پناه حمایت گرفته و این جنایت ضد بشری را به‌پای بشار اسد نوشتند. کلاه سفیدهای جاسوس غرب و همدستان داعش را نیروهای امدادی جا زدند که اخبار دست اول را در اختیار مطبوعات غرب قرار می‌دهند. این روش را در مورد ایران هم ادامه دادند و می‌دهند. امپریالیسم برای اشاعه دروغ و پخش اکاذیب از دکورسازی، بُرش حرفه‌ای فیلم‌ها، فیلمبرداری توسط هنرپیشگان حرفه‌ای، صدا سازی، مونتاژ، ویدیوهای تقلبی، صحنه‌سازی-های جعلی، فتوشاپ و... استفاده می‌کند و آنها را در شبکه‌های مجازی اجتماعی با نامهای تقلبی قرار می‌دهند. عوامل امپریالیسم شرکت‌های معینی را برای این کارها استخدام می‌کنند تا سیاست معینی را در مورد افراد، سازمانها و یا کشورهای معینی به‌کار گیرند و مطالب جعلی خویش را در شبکه‌های مجازی قرار دهند. در این شبکه‌ها جنگ بیرحمانه‌ای در جریان است. جبهه واحدی از صدای آمریکا، رادیو زمانه، رادیو فردا، بی بی سی، دویچه وله، رادیو فرانسه، رادیو اسرائیل، ایران گلوبال، تلویزیون من و تو و سایر نیروهای جبرمخوار به‌وجود آمده‌اند که باید دست در دست هم اخبار معینی پخش و یا جعل کنند. آنها سازمانهای معلوم-الحالی از جمله مجاهدین خلق در آلبانی و یا حزب "کمونیست" کارگری به‌ویژه جناح تقوایی را به‌کار گرفته‌اند که در شبکه‌های اجتماعی با پخش دروغ و اسلام ستیزی و سرپوش گذاری بر جنایات ضدبشری توسط اسرائیل و آمریکا موجی ضد ایرانی و ضد اسلامی ایجاد کرده تا راه تسلط صهیونیسم و امپریالیسم را بر ایران هموار نمایند. مزدوران مجاهد ۲۴ ساعته برای پخش دروغ با کمپیوترها و امکانات وسیع دنیای مجازی که عربستان و آمریکا در اختیارشان گذارده‌اند در شبکه‌های اجتماعی از مرکز تیرانا در آلبانی جولان می‌دهند و اسناد و آمار تقلبی پخش می‌کنند. آنها تا به‌حال چندین بار خامنه‌ای را کشته و دوباره زنده کرده‌اند و سر وی را از شبکه جاسوسی کا گ ب در آورده‌اند. آنها به فساد دستگاه اسلامی و راهزنی‌ها اشاره می‌کنند ولی به خود راهزنها که در کانادا به سر می‌برند و ثروت مردم ایران را غارت کرده‌اند کاری ندارند و برضد آنها تظاهرات اعتراضی نمی

گذارند و از دولت کانادا خواستار تعقیب این راهزنان نمی‌گردند. همه روشهای متناقض و گوناگون آنها گویاست که هدف آنها نه اعتقاد به مبارزه با دزدان است و نه اینکه مردم به حقایق پی ببرند. کشورهای امپریالیستی در عین حال که همه رسانه‌های جمهوری اسلامی را در خارج از کشور حتی برخلاف قوانین خودشان و ادعاهای دفاع از آزادی بیان و عقیده ممنوع کرده‌اند از توسعه رسانه‌های دروغپرداز گروه-های متعلق به عربستان سعودی حمایت می‌کنند. جناحهای جنگ طلب برای پیشبرد مقاصدشان نهادهای تبلیغاتی و ضد ایرانی تاسیس کرده‌اند تا سروشی برماهیت دولتی آنها باشد. آسوشیتد فرانس پرس خبر داد که شرکت تونیتر رسانه-های دولتی ایران را دو روز بعد از توقیف کشتی انگلیسی در خلیج فارس مسدود کرده است. در کنار ممنوعیت مهر، ایرنا و کلوپ ژورنالیستهای جوان، بدور از چشم مردم ممالک غربی لشگری مجهز از این "بشردوستان" و "دموکراتها" بسیج شده‌اند تا در شبکه‌های اجتماعی تمام حسابهای رژیم جمهوری اسلامی و حامیان آنها را مسدود کنند. البته این اتهامات بنیادهای امپریالیستی بی‌اساس است، زیرا آنها خودسرانه در شبکه‌های اجتماعی از جمله در فیس بوک، یوتوب، تونیتر هر کس را که مخالف صهیونیسم اسرائیل و امپریالیسم آمریکاست به عنوان منابع پخش دروغ و یا همدست جمهوری اسلامی مسدود می‌نمایند. رئیس امنیت سایبری فیس بوک آقای "ناتانیل گلیشر" (Nathaniel Gleicher) در ۲۱ اوت سال گذشته در نشریه اطاق خبری شرکت فیس بوک "نیوز روم" (Newsroom) نوشت: "ما ۶۵۲ صفحه، گروه و حساب را به‌علت هماهنگی غیرمجاز با اصل منبع در ایران... مسدود کردیم"

<http://www.mideastfreedomforum.org/g/index.php?id=273>

و در ژانویه امسال اضافه نمود که وی صدها "حسابهای جعلی" دیگر را بسته است.

<http://www.jg-berlin.org/kalender/details/international-iran-konferenz-des-mideast>

گوگل، یوتوب و تونیتر نیز به فیس بوک تاسی بسته و هزاران حساب احتمالی متعلق به "شبکه تبلیغاتی" ایران را بستند. این کار با این هدف صورت گرفت که از تبلیغات تلویزیونهای ایران که در شبکه مجازی حضور داشتند جلوگیری شود. البته این ادعاهای کاذب پشیزی ارزش ندارند زیرا در عمل دیده شده است که شبکه‌های مجازی اجتماعی که از نظر فنی در زیر نفوذ ماشینهای افکار عمومی سازی صهیونیسم و امپریالیسم قرار دارند توسط ارتش خود در میدان نبرد شبکه‌های اجتماعی، به دنبال کسانی می‌گردند که با سیاستها و یا تبلیغات آنها موافق نیستند و یا آنها را افشاء می‌کنند. افشاء جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین و یا حمایت از مردم یمن و افشاء جنایات ضد بشری عربستان سعودی و یا دروغهایی که آنها در مورد مسئله اتمی ایران رواج... ادامه در صفحه ۶

تهاجم لشکر جاعلان...

می‌دهند و یا افشاء داعش که دست دراز شده عربستان سعودی بوده و در همکاری با غرب و ترکیه به جنایت در سوریه دست زده‌اند، همه و همه بخشی از اطلاعاتی هستند که مورد پسند این انحصارهای جهانی نیستند و لشکر سانسور آنها روز و شب در عرصه شبکه‌های مجازی به یافتن و مسدود کردن آنها مشغولند. یکی از قربانیان این عملیات آقای موسوی وبلاگ‌نویس ایرانی است که بر اساس اطلاعات فنی و سیاسی که در اختیار دارد، ثابت کرده است که ویدیوها، صداها، اخباری که توسط غرب در اواخر سال ۲۰۱۷ و آغاز ۲۰۱۸ پخش شده است جعلی و دستکاری شده بوده است. آقای موسوی به علت شفافیت در کارش از طرف خبرگزاری الجزیره و نشریه گاردین در انگلستان و بسیاری خبرنگاران جهان به عنوان منبع قابل اعتماد به رسمیت شناخته می‌شود.

در پشت پرده یک شرکت امنیتی کالیفرنایی به نام "فایرفای" (FireFye) قرار دارد که در اسناد ۳۸ صفحه‌ای خود اعتراف کرده که چگونه شبکه هدایت شده جمهوری اسلامی را درهم شکسته است. این حذف کردن‌ها بر اساس "مظنون به عملیات نفوذی ایران"

Suspected Iranian Influence
Operation صورت گرفته است.

<http://de.stopthebomb.net/petition-unterschreiben.html#c324>.

انحصارات خبری که اساسا در آمریکا قرار داشته و زیر نفوذ صهیونیسم جهانی هستند، شرکت‌های خصوصی که تعهدی نسبت به هیچ یک از موازین جهانی و رعایت قانون اساسی ندارند، را مأمور می‌کنند تا وظیفه کنترل افکار عمومی و نظریات هدایت شده مشکوک را به عهده گیرند. این شرکتها در آلمان نیز از جمله در شهر برلن نمایندگی دارند که وظیفه سانسور افکار "ناخوشایند" را به عهده گرفته‌اند. آنها ایرانیانی از قماش فرقه مسعود رجوی و از عمال حزب "کمونیست" کارگری منصور حکمت و تمام بیماران فکری‌اش را استخدام کرده‌اند، تا در سانسور عقاید مخالف صهیونیسم و امپریالیسم همدست آنها بوده به تجزیه و تحلیل آنان یاری رسانند. اخیرا دوباره دیده شده است که این سانسورچیان صهیونیست به راه افتاده‌اند و در شبکه فیس بوک همه ایرانیانی را که مخالف نظریات اسرائیل و آمریکا هستند به عنوان دارندگان "حسابهای جعلی" و یا "مظنون به عملیات نفوذی ایرانی" حذف و یا مسدود می‌کنند. مبارزه با این شیوه سانسور که انحصار افکار را در دنیا در دست گرفته و تنها افکار صافی‌شده به‌خورد مردم می‌دهد از وظایف همه نیروهای دموکرات و به‌ویژه کمونیست‌هاست. باید با یک کارزار همه جانبه در فیس بوک به نقش جدید سانسور و "حذف رقبا" اشاره کرد و نقش به‌ویژه ایرانیانی را که با این شبکه‌های جاسوسی به بهانه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی کار می‌کنند،

افشاء نمود. بعید نیست که در آینده تارنماهای کمونیست‌های واقعی در فیس بوک تعطیل شود و میدان به دست "کمونیست صهیونیست‌ها" بیفتد تا با پول عبری و دلار عربی به زیست محقرانه و مزدوری خویش ادامه دهند.

سیاست کنسرن‌های دارویی...

منجر به آن شد که سهام این کنسرن در بازارهای بورس سقوط کند. حتی بزرگترین شرکت دارویی جهان "جانسون و جانسون Johnson & Johnson" در پاسخ به پرسش برنامه تلویزیونی "مانیتور" آلمان مبنی بر تولید آنتی‌بیوتیک جدید با صراحت اعلام کرد: "این کنسرن نیز بخش تحقیق تولید آنتی‌بیوتیک جدید را تعطیل کرده است، زیرا این داروی جدید تنها زمانی تجویز می‌شود که بیمار دچار بیماری "مقاومت آنتی-بیوتیکی" شده باشد. از آنجا که تعداد این بیماران زیاد نیست (این واقعیت که ۳۳ هزار نفر در سال در اثر این بیماری از بین می‌روند، برای آنها بی‌اهمیت است. - توفان)، لذا با این حجم کم، تولید آن صرف نمی‌کند." مثلاً در مقایسه با داروهای سرطانی که هم گران است و هم پیوسته تجویز می‌شوند و سود سرشار دارند، مقرون به صرفه نیست. یعنی به اندازه کافی سود نصیب سرمایه دار نمی‌گردد. از این رو تحقیق در مورد تولید چنین دارویی تعطیل می‌شود. به دیگر سخن تولید بر محور سود حداکثر است و نه بر مبنای نیاز جامعه.

رفیق استالین در این مورد در مقاله "مسئله قوانین اساسی اقتصاد سرمایه‌داری معاصر و سوسیالیسم" می‌گوید: "خطوط و مطالبات عمده قانون اساسی اقتصادی سرمایه‌داری معاصر را می‌شد تقریباً به این شکل فرموله کرد: تأمین حداکثر سود سرمایه‌داری از طریق استثمار، خانه خرابی و فقیر شدن اکثریت اهالی کشور مفروض، از طریق اسیر ساختن و غارت منظم خلق‌های سایر کشورها، بخصوص کشورهای عقب مانده و بالاخره از طریق جنگ‌ها و نظامی کردن اقتصاد ملی که برای تأمین بالاترین سودها مورد استفاده قرار می‌گیرند."

اما "خطوط مشخصه و مطالبات قانون اساسی اقتصادی سوسیالیسم را می‌شد تقریباً به این شکل فرموله کرد: تأمین ارضاء حداکثر نیازمندی‌های دائم التزاید مادی و فرهنگی همه اجتماع از طریق رشد و تکامل بدون انقطاع تولید سوسیالیستی بر پایه تکنیک عالی.

بنابراین: به جای تکامل تولید با گسیختگی-هایی از رونق به بحران و از بحران به

رونق - رشد بدون انقطاع تولید؛ به جای وقفه‌های متناوب در تکامل تکنیک که با انهدام نیروهای تولیدی اجتماع ملازم است؛ تکامل بدون وقفه تولید بر پایه تکنیک عالی."

امروز تعداد بیماران مبتلا به بیماری "مقاومت آنتی‌بیوتیکی" در سراسر جهان سال به سال افزایش می‌یابد. درحال حاضر ۳۳ هزار نفر تنها در اروپا در اثر ابتلا به این بیماری سالانه جان خود را از دست می‌دهند و کنسرن‌های دارویی با بی‌شرمی تمام تماشاگر صحنه‌اند.

اکنون امید بیماران به شرکت‌های کوچک تولید دارو است. برای مثال در "سانفرانسیسکو" - آمریکا- محققین برای تولید این "آنتی‌بیوتیک" اقدام به تأسیس شرکتی به نام "آپ یو ژن" کردند، به این امید که در صورت موفقیت یکی از شرکت‌های دارویی بزرگ به سراغ آنها خواهند آمد و در این عرصه سرمایه‌گذاری خواهد کرد. این شرکت بالاخره بعد از ۱۵ سال کار پُر زحمت موفق به کشف این دارو شد. آنها حتی موفق به کسب مجوز جهت تولید "آنتی-بیوتیک جدید" نیز شدند. اما پس از مدت کوتاهی آنها ناچاراً شرکت را تعطیل و اعلام ورشکستگی کردند، زیرا هیچ کنسرنی حاضر به سرمایه‌گذاری در این بخش نشد. حتی شرکت "نوارتیس" که قبلاً آمادگی خود را برای همکاری و احتمالاً سرمایه‌گذاری اعلام کرده بود، عقب نشینی کرد. دلیلش روشن است زیرا برای محاسبه این شرکتها تنها مخارج تولید مطرح نبود بلکه ظرفیت تولیدی آنها که آنرا در خدمت دارویی می‌گذارند که بازار فروش نداشته و فقط جان انسان را نجات می‌دهد از سود آنها در مقایسه با تولید سایر داروها می‌کاهد.

طبیعی است که یک شرکت جدیدالتأسیس بدون همکاری مالی کنسرن‌های بزرگ از پس مخارج اولیه تولید برنخواهد آمد. جالب اینجاست که در آوان همین اعلام ورشکستگی، شرکت "نوارتیس" جلسه سالانه سهامداران خود را برگزار کرد و در آن اعلام نمود که کنسرن در سال گذشته ۱۲ میلیارد دلار سود داشته است! علیرغم این، کنسرن "نوارتیس" از سرمایه‌گذاری در عرصه تحقیق و تولید "آنتی‌بیوتیک جدید" سرباز زد و مدیر عامل این کنسرن با صراحت اعلام کرد که ما تحقیق در این زمینه را قطع کرده‌ایم، زیرا طبق محاسبات ما از سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیق و تولید "آنتی‌بیوتیک جدید" سود لازم حاصل نمی‌شود. به همین ... ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک فلسطین، عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند.

سیاست کنسرن‌های دارویی ...

سادگی! همین چرخش "نوارتیس" باعث شد که سهام "نوارتیس" در بازار بورس سیر صعودی به پیماید و به موازات آن باکتری-های مقاوم نیز روز به روز بیشتر و بیشتر شوند. محققین نا امید از کنسرن‌ها از دولت-های اروپایی یاری می‌جویند تا در این بخش سرمایه‌گذاری کنند. و دولت‌ها - این نمایندگان سرمایه‌داری و "پشتیبان حقوق بشر"!! - نیز از این کار سرباز می‌زنند و همانند کنسرن‌های دارویی شاهد مرگ ده‌ها هزار نفر هستند. دلیلش روشن است. مواردی پیش می‌آیند که دولت برای نجات سرمایه‌داران، خود با توسل به ثروت عمومی و مالیات مردم به سرمایه‌گذاری پرداخته زیر بغل شرکت‌های بزرگ را می‌گیرد و آنها را در صورت خطر ورشکستگی از این مهلکه نجات می‌دهد ولی مورد فوق حتی با سرمایه‌گذاری رایگان دولتی برای کنسرن‌ها تولید این دارو و مساعدت دولتی صرف ندارد. دولت خود نیز حاضر نیست با پارانها دادن به موسسات دولتی و سرمایه‌گذاری دولتی از مالیات مردم و ثروت عمومی جان مردم را نجات دهد. این دخالت دولت در اداره امور تولید تلقی شده و مغایر با اصل خصوصی سازی و سیاست اقتصادی نتولیرالیسم است. آقای "اِشپان" وزیر بهداشت آلمان در این رابطه حتی حاضر نشد با خبرنگاران مصاحبه کند!

اما در عوض زمانی که خانم "فُن در لاین" وزیر سابق دفاع آلمان در سال گذشته تقاضای ۳۰ میلیارد اضافه بودجه نظامی تا سال ۲۰۳۰ را طلب کرد وی به عنوان عضو دولت با آن موافقت نمود.

برای دولت‌های نظام سرمایه‌داری، سود سرمایه‌داران به مراتب مهم‌تر از سلامتی شهروندان است.

"توماس کرن" مدیر عامل سندیکای کنسرن-های دارویی با وقاحت تمام گفت: "برای شرکت‌های دارویی صرف نمی‌کند که برای تولید داروی جدید سرمایه‌گذاری کنند، این دولت‌ها و شرکت‌های بیمه درمانی‌اند که باید این وظیفه را به عهده بگیرند!!!"

طبق محاسبه متخصصین تا سال ۲۰۵۰

حدود ۱۰ میلیون نفر در سال در اثر ابتلا به "مقاومت آنتی‌بیوتیکی" جان خود را از دست خواهند داد که این رقم بیش از تلفات بیماران مبتلا به سرطان در حال حاضر است. آنوقت تولید این دارو سودآور خواهد بود و شرکت‌ها با ساز و دهل "حقوق بشر" به میدان آمده و آمادگی "بشردوستانه" خویش را برای تولید این دارو ابراز خواهند کرد. حرص و ولع سرمایه داری کلیه عرصه‌ها را در بر می‌گیرد.

در روده حیوانات (دام، طیور و ماهی فرق نمی‌کند) مقدار زیادی میکروب وجود دارد. زمانی که ما مدام به این حیوانات آنتی-بیوتیک می‌دهیم به سادگی این میکروب‌ها در مقابل آنتی بیوتیک مقاوم گشته و در بدن حیوانات "مقاومت آنتی بیوتیکی" ایجاد می‌کند.

سرمایه‌داری در تولید انبوه دام (گوشت قرمز) و طیور و ماهی (گوشت سفید) با استفاده از آنتی‌بیوتیک فراوان جهت جلوگیری از بیماری عفونی و نیز رشد سریع دام و طیور، باکتری‌ها را در بدن آنها مقاوم ساخته و از این طریق به بدن میلیون‌ها انسان انتقال می‌دهند.

بیم آن می‌رود که در ۲۵ تا ۳۰ سال آینده هیچ آنتی‌بیوتیکی در بازار یافت نشود که بر باکتری‌ها غلبه کند. بدترین حالت اینست که مقاومت در برابر آنتی‌بیوتیک‌ها به حدی برسد که دیگر هیچ آنتی‌بیوتیک جدیدی هم امکان مداوای بیمار را نداشته باشد. در چنین حالتی کلیه انسان‌ها در معرض ابتلاء به بیماری‌های عفونی لاعلاج خواهند بود. به دیگر سخن عفونتی که ۳۰ سال پیش با یک آنتی‌بیوتیک ساده از بین می‌رفت ممکن است ۳۰ تا ۳۵ سال آینده برای مقابله با همان عفونت ساده هیچ آنتی‌بیوتیکی وجود نداشته باشد.

یکی از راه‌های جلوگیری از گسترش باکتری‌های مقاوم بدون تردید کاهش اساسی مصرف آنتی‌بیوتیک در پرورش انبوه دام و طیور و ماهی است، تا بتوان از مقاوم شدن باکتری‌ها در روده حیوانات و در نتیجه انتقال آن به بدن انسان جلوگیری کرد. آیا سرمایه‌داری طماع و حریص که هدفش دستیابی به سود سریع و حداکثر است، تن

به این خواست خواهد داد؟ پاسخ بدون تردید منفی است. راه حل دیگر، همانگونه که قبلاً اشاره رفت، تحقیق در مورد تولید "آنتی‌بیوتیک جدید" است که قادر به از بین بردن باکتری‌های مقاوم باشند. در این عرصه باید از روش سوسیالیستی دخالت دولت در تولید با برنامه استفاده کرد که با ماهیت نظام سرمایه‌داری در تضاد است. این کارزار مبارزه با معتاد کردن دام و طیور به آنتی‌بیوتیک و تلاش برای نجات بیماران با کشفیات و اختراعات جدید، گام بزرگی در جهت حفظ محیط زیست است که این پدیده نیز با حرص و ولع نظام سرمایه‌داری در تناقض قرار دارد. ما با نمونه‌های دیگری در جهان نیز روبرو هستیم از جمله اینکه هنوز نخواست‌اند دارویی برای مبارزه با بیماری خطرناک ایبولا در آفریقا تولید کنند زیرا تعداد مرده‌ها به حد نصاب کسب سود حداکثر نرسیده است.

به توفان در تلگرام خوش آمدید



"... حل مسئله ملی فقط در ارتباط با انقلاب پرولتری و بر زمینه آن میسر است، راه پیروزی انقلاب در غرب از اتحاد انقلابی با جنبش نجات‌بخش مستعمرات و کشورهای وابسته برضد امپریالیسم می‌گذرد. مسئله ملی بخشی است از مسئله کلی انقلاب پرولتری، بخشی است از مسئله دیکتاتوری پرولتاریا." (راجع به اصول لنینیسم اثر استالین، مسئله ملی به زبان فارسی انتشارات توفان- سه رساله از استالین صفحات ۳۶ تا ۳۷).

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

http://toufan.org/ketabkane.htm
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

https://twitter.com/toufanhezbkar

https://www.facebook.com/toufan.hezbekar
https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

فساد، رشوه‌خواری و سرکوب، تنها به نفع امپریالیسم و صهیونیسم تمام می‌شود

سیاست کنسرن های دارویی در قبال جان باختن بیماران "مقاومت آنتی بیوتیکی"

تولید در جوامع سرمایه داری در کلیه عرصه ها با هدف کسب حداکثر سود انجام می گیرد. در نظام سرمایه داری این نرخ بورس کنسرن هاست که سیاست تولید را به آنها دیکته می کند. به این ترتیب کنسرن های دارویی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. برای نمونه هر اندازه بیماری مهلک تر و خطرناک تر باشد و تعداد بیشتری به آن مبتلا باشند، قیمت دارو نیز به همان اندازه گرانتر می شود. چنین روندی در خصوص بیماری سرطان و داروهای مقابله با آنها به وضوح مشاهده می گردد. در عوض کنسرن های دارویی برای معالجه بیماران که مبتلا به "مقاومت آنتی-بیوتیکی" هستند - چون تعدادشان هنوز به حد بیماران سرطانی نرسیده است - تحقیق و تولید آنتی بیوتیک جدیدی که قادر به معالجه این بیماران باشد را یا در دستور کار قرار نمی دهند و یا حتی از دستور کار خارج کرده اند.

استفاده بیش از حد و مداوم آنتی بیوتیک، دیر یا زود انسان را دچار بیماری ای به نام "مقاومت آنتی بیوتیکی" می گرداند. در چنین حالتی باکتری های عفونی یا بیماری آفرین در مقابل آنتی بیوتیک های رایج مقاوم گشته و قادر به درمان فرد بیمار نخواهند شد. اکنون وظیفه شرکت های خصوصی دارویی است که داروی جدیدی تولید کنند تا بتوانند بر این باکتری های مقاوم غلبه کنند. به دیگر سخن امروز برای درمان بیماران مبتلا به "مقاومت آنتی بیوتیکی" نیاز فوری و مبرم به آنتی بیوتیک های جدیدی است. پزشکان آشکارا می گویند که اگر امروز این داروی جدید تولید نشود بیماری های عفونی نظیر سینه پهلو قابل درمان نخواهند بود و این نوع بیماران را خطر مرگ به طور جدی تهدید می کند. جراحان حتی معتقدند، از آنجا که امکان ابتلای بیماران که نیاز به عمل جراحی دارند - در حین عمل جراحی - به عفونت ناشی از باکتری های مقاوم، منتفی نیست، عمل جراحی الزاماً به بهبود بیمار منجر نمی شود. باید گفت که جراحان از قبل اطمینان دارند که در چنین حالتی بخت زنده ماندن بیمار بسیار پایین است، زیرا بدون این دارو به هیچ وجه قابل درمان نمی باشند.

دو دهه پیش شرکت دارویی "بایر" بزرگترین شرکت تولید دارو در آلمان تصمیم به تولید آنتی بیوتیک جدیدی گرفت که بر باکتری های مقاوم غلبه کند و امکان درمان بیماران مبتلا به "مقاومت آنتی بیوتیکی" را فراهم آورد. اما سال ۲۰۰۲ شرکت "بایر" وارد بازار بورس "وال استریت" گردید. اکنون دیگر این نیاز مردم و جامعه پزشکی به داروی مورد نیاز نبود که در ضرورت تولید نقشی ایفا می کرد، بلکه اکنون این نوسانات بازار بورس بودند که برنامه و هدف تولید را دیکته می کردند.

از آنجا که "آنتی بیوتیک جدید" جزو آن دسته از داروها به شمار نمی آید که سود کافی بدهد، تحقیقات و مقدمات تولید در این زمینه به محاق رفت. به قسمی که کنسرن "بایر" در سال ۲۰۰۵ علناً اعلام کرد که تولید آنتی بیوتیک را متوقف کرده و دایره تولید را به معرض فروش گذارده است. این اقدام کنسرن نامبرده باعث شد تا سهام آن در بورس ترقی کند زیرا سهامداران آزمند این کنسرن در پایان سال سود بیشتری دریافت می کردند. عده ای انسان سهامدار به پاسب مرگ عده ای انسان بیمار ثروتمند شدند و می شوند.

این فقط کنسرن "بایر" نیست که دایره تحقیق پیرامون آنتی بیوتیک جدید را تعطیل کرد. شرکت های بزرگ دارویی یکی پس از دیگری دایره تحقیق آنتی بیوتیک جدید را تعطیل کردند. آخرین آنها شرکت "Sanofi & Novate" بود که در سال ۲۰۱۸ اقدام به تعطیل این بخش نمود، زیرا قادر نبود در بازار عرضه و تقاضا و رقابت کنسرن ها سود مناسب را برای خود تامین کند. این تقبل خسارت "انسانی"... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 236 Okt. 2019

تهاجم لشکر جاعلان صهیونیست-امپریالیست در شبکه های اجتماعی

دنیای طبقاتی بر دروغ و عوامفریبی و شستشوی مغزی استوار است زیرا اگر جز این بود این نظام ضد بشری به ویژه در دوران سرمایه داری عمری کوتاه داشت. دروغگوئی از زمان روی کار آمدن ترامپ در آمریکا شکل ویژه ای پیدا کرده است زیرا وی آشکارا وقتی منافعش تامین نمی شود مبتکر نفی واقعیت روشن است. این وضعیت محصول تضادهای امپریالیستها و انحصارات آنهاست و عملاً بحث داغی را در مورد اینکه دروغ چیست باز کرده است. نیروهای دست راستی پرچم مبارزه برضد دروغگوئی را به کف گرفته اند و چون جای انکاری در مورد دروغگوئی طبقات حاکمه نیست، توانسته اند در میان مردم، خود را به عنوان روشنگر و افشاء گر جا بزنند. دروغگوئی از زمان جنگ کره و ویتنام آغاز نشد، بلکه سابقه قدیمی تری دارد و از سلاحهای نبرد در جنگ طبقاتی است. در... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس مکاتبات
Postfach 11 38
64526 Mörfelden-Walldorf
Germany

دست امپریالیسم و متحدانش از ایران کوتاه باد